

انديسوا ستارهي فونيل



✎ Eden Daniels

🔗 Eden Daniels

📁 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)

|| 2

🗨️ دري پرس



**Global Storybooks**

[globalstorybooks.net](http://globalstorybooks.net)

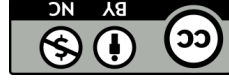
انديسوا ستارهي فونيل

✎ Eden Daniels

🔗 Eden Daniels

📁 Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-

e Danesh Library)



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution-NonCommercial 3.0 International](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/3.0/)

License.

<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/3.0/>





آندیسوا چند پسر را در حلالِ بازی فوتبال  
تلاشا کرد. او آرزو داشت که بتواند آنها را  
همراهی کند. او از مربی پرسید که آیا  
می‌تواند با آنها تمرین کند.

” وایزانه بازی بازنه فونیه

مربی دستانش را روی کمرش گذاشت و گفت: ”ایر این مکتب، فقط پسرهای آخوڑی





پسرها به او گفتند برو بسکتبال بازی کن.  
آن‌ها گفتند بسکتبال برای دخترهاست و  
فوتبال برای پسرها. آن‌دیسوا آندوهگین  
شد.



تلاش‌چیان بسیار هیجان زده شدند. از آن  
زمان به بعد، دخترها هم اجازه‌ی بازی  
فوتبال در مکتب را پیدا کردند.

شد.

در جریان نیمه ی دوم بازی یکی از پسرها توپ را به آندیسوا پاس داد. آندیسوا با سرعت خیلی زیاد به سمت دروازه حرکت کرد. او محکم به توپ ضربه زد و توپ گل شد.



بازی کند.

بهترین بازیکنش مریض بود و نمی توانست فوتبال داشت. مربی نگار آن چون روز بعد، آن مکتب یک مسابقه ی بزرگ





آندیسوا به سَمَتِ مُرَبِّی دَوید و اِلْتِمَاسِ گُرد  
 کِه به او اِجازه‌ی بازی بَدَهَد. مُرَبِّی مُطمین  
 نَبود که چه کاری اَنجام بَدَهَد. سِپَس  
 تَصمیمِ گِرِفَت که آندیسوا می تَواند تیم را  
 هَمراهی کُنَد.



بازی سَخْتی بود. هیچکس تا نیمه‌ی بازی  
 گُل نَزده بود.